

تأثیر انقلاب اسلامی بر حزب النهضة تونس با تأکید بر افکار حضرت امام خمینی علیه السلام

محمدجواد رحمانی*

چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، حزب اتجاه اسلامی (النهضة) تونس و رهبری آن به تجدید حیات روی آورده و از حالت انفعال و ضعف برای تشکیل حکومت خارج شدند. تأثیر انقلاب با محوریت شخصیت امام علیه السلام به سرعت در اندیشه سیاسی راشد الغنوشی و دیگر مصلحان اسلامی سرایت و از طریق سلسله‌مراتبی در میان توده‌های مسلمان پخش شد. در اثر سرایت و پخش انقلاب اسلامی و رهبری بی‌نظیر آن در سه حوزه کلامی، عاطفی و رفتاری، رهبری و حرکت اسلامی النهضة تونس اثرات مثبت و قابل توجهی دریافت کردند. در این مقاله به چگونگی انتشار انقلاب اسلامی ایران در تونس براساس نظریه پخش و نگرش سیاسی حاصل از آن بر رهبری حزب النهضة پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی ایران، امام خمینی علیه السلام، اتجاه اسلامی تونس، راشد الغنوشی، نظریه پخش، نظریه نگرش سیاسی.

* عضو هیئت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

mrahmani@miau.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۰/۸/۱۸

مقدمه

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری مکتب سیاسی تشیع در قالب حکومت اسلامی با محوریت ولایت فقیه و مؤلفه‌های مشروعیت و مقبولیت، جهان اسلام روح دوباره‌ای گرفت و به میزان عناصر مشترک جغرافیایی، فرهنگی، مذهبی و ... از انقلاب اسلامی تأثیر پذیرفت. در این راستا توده‌ها و احزاب دینی - مردمی شکل گرفته در جوامع اسلامی خاورمیانه و آفریقا که به واسطه وابستگی شدید قدرت حاکمه آن جوامع به ابرقدرت‌های شرق و غرب و مقایسه پیامد شوم این وابستگی با سرنگونی رژیم شاهنشاهی ایران تحت تأثیر بیشتری قرار گرفته بودند از افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی مردم ایران الگو گرفتند.

نظریه پخش

یکی از نظریه‌های رایج در خصوص توضیح چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌ها، نظریه پخش است که در سال ۱۹۳۵م از سوی «هاگر استرن» جغرافی‌دان سوئدی، ابداع و عرضه شد. هرچند خاستگاه اولیه این نظریه در پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌ها بود، اما کاربرد آن به سایر عرصه‌های فرهنگی و رشته جغرافیای انسانی تسری یافته و در موضوعات علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز به کار گرفته شده است. (برزگر، ۱۳۸۹: ۴۱ - ۳۹)

اشاعه یا پخش عبارت است از فرآیندی که بر طبق آن یک امر فرهنگی که علامت مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگری به عاریت گرفته شده و مورد پذیرش قرار می‌گیرد. گسترش و پذیرش یک اندیشه و نوآوری، یا از طریق انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل صورت می‌گیرد که پخش جابه‌جایی نام دارد و یا از طریق یک فرد مهم و یا توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل و گسترش می‌یابد که آن را پخش سلسله‌مراتبی می‌نامند و یا بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب، همانند بیماری‌های مسری صورت می‌گیرد که آن را پخش سرایتی یا واگیردار می‌گویند. (پانوف و پرون، ۱۳۶۸: ۱۱۳؛ پی‌فرارو، ۱۳۷۹: ۵۲)

دو نوع پخش سلسله‌مراتبی و سرایتی، از نوع پخش‌هایی هستند که دارای سرعت انتشار بالایی‌اند. در این دو نوع پخش، افکار و اندیشه‌ها و مفاهیم از سرزمین میهمان و جدید هجرت

می‌کند و از آنجاکه هجرت فیزیکی نیست، دارای سرعت انتشار بالایی است. (برزگر، ۱۳۸۹: ۴۵)

هاگر استرند، نظریه‌پرداز این نظریه، شش عامل حوزه جغرافیایی - پذیرا یا ناپذیرا - زمان، موضوع پخش، مبدأ پخش، مقصد پخش و مسیر پخش را مهم دانسته است، اما عوامل دیگری چون سرعت پخش، موانع پخش و پیش‌بینی اثرات پخش را می‌توان در این نظریه برجسته کرد. (شکویی، ۱۳۶۴: ۱۳۳) دوری و نزدیکی مسافتی و مکانی به مبدأ پخش اندیشه، گذشت زمان و موانع طبیعی تراوش، از عوامل کاهش‌دهنده پخش می‌باشد. (برزگر، ۱۳۸۹: ۴۷ و ۴۸)

وقوع انقلاب اسلامی با تکیه بر دو نهاد اسلام و مردم، ضربه سنگینی بر امپریالیسم آمریکا و نظام دیکتاتورمآب و دست‌نشانده آمریکا وارد ساخت و آنها را در سطح بین‌الملل تحقیر کرد و جهان اسلام به‌طور خاص و جهان را به‌طور عام تحت تأثیر قرار داد. ایران کانون پخش و تراوش حکومت دینی به مقصد کشورهای اسلامی و احزاب و جنبش‌های مردمی مسلمان گردید و باعث مجموعه‌ای از تأثیرپذیری‌های غیرارادی یا رفلکسی در مسلمانان شد و در سایه اسلام سیاسی، افراد، مراسم‌ها، مناسبت‌ها، سازمان‌های انقلابی و ... طیف متنوع و وسیعی از انواع تأثیرات فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را در رهبران و روشنفکران دینی از طریق پخش جابه‌جایی، سرایتی و سلسله‌مراتبی به‌وجود آورد. (برزگر، ۱۳۸۹: ۶۷ - ۵۶)

نگرش سیاسی (توجهات سیاسی)

نگرش سیاسی یکی از پرکارترین اصطلاحات و مهم‌ترین واحدهای تحلیل سیاسی و روان‌شناسی است که عبارت از ادراک، حالت عاطفی مثبت یا منفی نسبت به یک رفتار سیاسی و نوعی آمادگی رفتاری نسبت به آن رفتار سیاسی است. ترکیب سه عنصر شناخت، عاطفه و آمادگی برای عمل نسبت به موضوع معین - خواه عینی و واقعی و خواه خیالی - را نگرش شخص به آن موضوع می‌دانیم که از دو بُعد شدت یا ضعف و پیچیدگی یا سادگی برخوردارند و نیازها، اطلاعات، تعلق به گروه خاص و شخصیت، عوامل چهارگانه تکوین آن می‌باشند. (برزگر، ۱۳۸۹: ۳۳۲ - ۲۸۲)

به موازات قیام و انقلاب اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی علیه السلام، به‌دلیل

انعطاف‌پذیری و عدم انحصار و اختصاص ایشان به گروه و فرد خاصی، یک حالت روحی و روانی در سه رکن شناختی، رفتاری و عاطفی در مسلمانان و رهبران‌شان برای آمادگی و پذیرش آرمان‌های انقلاب اسلامی ایجاد می‌گردد. همچنین در نوع نگرش سیاسی آنان در بُعد شناختی و کلامی نسبت به کارآمدی دین در صحنه اجتماعی و علاقمندی آنان به احکام دینی و رفتار براساس آن با الگوگیری از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن تغییرات اساسی صورت می‌گیرد.

براین اساس، در این تحقیق با مبنا قرار دادن نظریه پخش (سرایتی و سلسله‌مراتبی)، انتقال و اشاعه افکار و اندیشه‌های انقلاب اسلامی با محوریت شخصیت حضرت امام علیه السلام و نیز بازخورد شناختی، عاطفی و رفتاری حاصل از آن در جهت‌دهی به نگرش سیاسی جنبش اسلامی - مردمی (اتجاه اسلامی) تونس و رهبری آن پرداخته می‌شود.

معرفی حزب النهضة یا الاتجاه الاسلامی

علت پیدایش

۱. تحولات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی

پس از فتوحات اسلامی و ورود اسلام از طریق خاورمیانه و مصر به کشورهای آفریقایی، مسلمانان در تونس اقامت گزیدند. با تسلط سیاسی و نظامی یک‌صد ساله فرانسه و تأثیرات فرهنگی سکولار و برخورد ایدئولوژی و ام‌گرفته مدرن «بورقیه» و سنت‌گرایی دینی نهاد حوزه زیتونیه در اواخر دهه ۵۰، تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جدیدی در تونس رقم زده شد.

بورقیه متأثر از آتاتورک، او را «معجزه‌گر»، الگوی ایدئال یک قهرمان، عالی‌ترین رئیس‌جمهور، رهبر و مرد نبرد میدان توصیف کرد. او با اندیشه سیاسی ناسیونالیستی اخذشده از غرب و ترکیه و ایدئولوژی اصلاح‌طلبانه «خیرالدین تونس» در قرن نوزدهم، استراتژی خود را با حاشیه راندن مخالفان و مبارزان دینی در شهر تونس، پایتخت این کشور، از طریق وارد کردن نمایندگان آن به روند اصلاحات اداری و ارائه اصلاحات الهام‌گرفته از اروپا به جامعه تونس به پیش برد.

انحصار قدرت سیاسی به حزب حاکم که متشکل از قشرهای طبقه بالای تونس و متمایل به فرهنگ غرب و اندیشه سیاسی سکولار بورقپیه بودند، باعث نزاع میان او و جنبش‌های اسلامی برخاسته از نهاد دینی و اصلی تونس (حوزه زیتونیه) شد که خاستگاه جنبش‌های اسلامی چون یوسفیه، اتجاه اسلامی و النهضة بود. این منازعات باعث اقدامات عمل‌گرایانه و پراگماتیسمی نهاد قدرت با نهاد دینی شد و در نهایت، نهاد دینی به‌عنوان دستگاهی اداری، هم از لحاظ فکری و هم از لحاظ کاربردی تابع نهاد قدرت و دولت قرار گرفت. (غنوشی، ۱۳۷۰: ۱۸ - ۱۱) از جمله اقدامات بورقپیه علیه نهاد دینی عبارت است از:

۱. از میان برداشتن اوقاف اسلامی برای خنثی‌سازی زیربنای اقتصادی دین اسلام در تونس در ۳۱ می ۱۹۵۶م و ۱۸ ژوئیه ۱۹۵۷م.

۲. درپیش گرفتن سیاست اصلاحی - تربیتی مبتنی بر سکولاریسم با الگوبرداری از فرانسه و تربیت کارشناسان تونسی براساس سیاست فرهنگی مدرنیزاسیون و سکولاریسم و تغییر دانشگاه و حوزه دینی زیتونیه به دانشکده شریعت و اصول دین براساس ساختار غربی در سال ۱۹۵۸م.

۳. پاکسازی تمام نقش‌های فرهنگی و سیاسی نهاد دینی زیتونیه در فاصله سال‌های ۱۹۵۶ تا ۱۹۵۸م و محافل وابسته به مدرسه زیتونیه. (هرماسی، ۱۹۸۵: ۳۴)

۴. اخذ تصمیمات تند در زمینه‌های قضایی با وارد کردن قوانین سکولاریستی فرانسه در کنار شریعت اسلام از جمله منع تعدد زوجات، تعیین ۱۷ سالگی برای سن ازدواج زنان، قراردادن مهریه یک‌دیناری برای زنان، مجازبودن ازدواج زن مسلمان با مرد غیرمسلمان، دادن حق طلاق به حاکم و نداشتن حق طلاق یک‌جانبه شوهر.

۵. مخالفت علنی با شرع اسلام و سنت‌شکنی در انتظار مردم از جمله: روزه‌خواری (رمضان ۱۹۶۰م)، اعتقاد به مانع بودن روزه در برابر تولید اقتصادی، انتقاد از عید قربان و حج به‌علت زیان‌های بسیار زیاد ارزی، ثابت کردن تقویم قمری و بازداشتن مردم از رؤیت هلال ماه با چشم غیرمسلح.

۶. انحصار و دولتی کردن تمام فعالیت‌های مذهبی، عبادی و اجتهادی و نظارت مستقیم نهاد ریاست جمهوری بر آنان از جمله: تبدیل عالمان و مفتیان مذهبی به کارمندان رسمی و

مشاوران دولتی و نماینده رئیس‌جمهور در کنگره‌ها. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳: ۲۵ - ۱۱)

اگرچه سکولاربودن گفتمان سیاست دولت بورقیبه با خلع قدرت و ابعاد سنتی اسلام‌گرایان منافاتی نداشت و براساس منطق عمل‌گرایی، نهاد دینی به‌عنوان دستگاہی اداری از لحاظ فکری و کاربردی تابع دولت به‌شمار می‌آمد، اما چالش‌های میان ایدئولوژی سکولار غربی دولت حاکم با میراث فرهنگی عربی - اسلامی مردم تونس باعث قیام‌های مردمی در تونس از جمله قیام مردمی ۱۷ ژانویه ۱۹۶۱ در شهر قیروان به رهبری عبدالرحمن خلیف و سرکوبی شدید آن توسط بورقیبه بود.

۲. تحولات اقتصادی دهه ۷۰ و انحطاط ارزش‌های اخلاقی

روی آوردن اقتصاد تونس به بازار سرمایه‌داری جهانی، افزایش درخواست کارهای سرمایه‌داری، مصرف‌گرایی شدید مردم، سودجویی و فرصت‌طلبی صاحبان ثروت، شکست مدرنیزاسیون در روستاها، افزایش شکاف میان طبقات اجتماعی، روند ناهمگون توسعه و تمرکز توسعه در منطقه ساحلی باعث ایجاد بحران‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی گسترده در تونس مانند تجربه «سوسیالیسم قانون» از سال ۱۹۶۲ تا ۱۹۶۹ و خروج زمین‌داران و بازرگانان بزرگ از تعاونی‌های کشاورزی شد.

تحولات فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دهه ۶۰ تا ۷۰ باعث شکل‌گیری و رشد جنبش‌های اسلامی تونس در زمان بورقیبه شد که عبارتند از:

۱. تأسیس جمعیت قانونی پاسدار قرآن کریم به رهبری «شیخ الجیب المتساوی» و ایجاد مجله «جوهر الاسلام» در سال ۱۹۶۸م با ایجاد کلاس آموزشی درسی در مدرسه زیتونیه. ایدئولوژی و استراتژی متساوی، ورود به حزب حاکم و دستگاه حکومت و متحول‌سازی از درون حزب حاکم و تبدیل شدن به یک نیروی مؤثر بود.

۲. تأسیس حزب اتجاه اسلامی در سال ۱۹۷۰ با ایجاد ماهنامه «المعرفة» به مدیریت «شیخ عبدالقادر سلامه» به رهبری «راشد الغنوشی» و «عبدالفتاح مورو» با تغییر گرایش و انتقال اندیشه اسلامی از مسجد به دانشگاه و جدا شدن از جمعیت قانونی پاسدار قرآن که

متشکل از شیوخ سنت‌گرای زیتونیه بودند.

حزب اتجاه الاسلامی به سبب برخورداری از بُعد معنوی رهبری و بُعد ظاهری تشکیلاتی برخلاف جمعیت قانونی پاسدار قرآن از سوی دستگاه حاکم طرد و مضمحل گردید.

عوامل مهمی که در ایجاد و استمرار این حزب نقش مهمی داشتند عبارتند از:

۱. تأثیرپذیری حزب اتجاه الاسلامی از انقلاب اسلامی ایران، هفت سال قبل از انقلاب در زمان اوج مبارزات سیاسی مردم ایران علیه نظام استبدادی.

۲. جوان‌گرایی در حزب که اکثر آنان، دانشجویان و اساتید جوان علیه سیستم آموزشی فرانسه بودند.

۳. تشکیل جلسات حزب در مسجد دانشگاه و تبادل نظریات و در امان ماندن از مخالفت‌های دولت.

۴. تجربه آغاز انتقال اندیشه اسلامی از مساجد به دانشگاه به واسطه تجربه عملی غنوشی در فعالیت‌های اسلامی گروه مبلغان پاریس در سال ۱۹۶۹ (گفتگوی چهره به چهره با مردم در دکان‌ها و قهوه‌خانه‌ها).

۵. تأسیس مساجد به دست اسلام‌گرایان این حزب در گوشه و کنار تونس و آغاز عملیات فتح نهادهای سکولار در تونس.

۶. اتخاذ روش مبارزات سیاسی و پارلمانی برای ایجاد حکومت و تشکیلات اسلامی برای اداره امور کشور مطابق با الگوی پیشینیان در عهد خلفای راشدین.

۷. اتخاذ تصمیمات انقلابی و مورد وفاق همه‌گرایش‌های فکری موجود در جنبش اسلامی و به رسمیت شناختن حق تنوع، تعدد و اختلاف نظر.

۸. تربیت نسل جوان براساس مبنای اخلاقی، اجتماعی و اسلامی و مبتنی بر نقد مظاهر حیات غرب و انسجام نهاد خانواده. (همان: ۳۷؛ غنوشی، ۱۳۷۰: ۲۹ و ۳۰)

۹. عنصر رهبری و شخصیت جامع و کامل راشد الغنوشی.

با توجه به اینکه جنبش اسلامی تونس، محل تلاقی جریان‌های گسترده فکری و سلیقه‌های سیاسی با افراد گوناگون از جمله عبدالفتاح مورو (صوفی‌مسلم)، عبدالقادر سالامه، خالد بن عبدالله و ... بود، شیخ راشد الغنوشی به عنوان هسته اصلی فعالیت‌های اسلامی در تونس مطرح

می‌شود که علت آن را باید در شخصیت اسلامی کامل‌تر وی نسبت به سایرین جست. شخصیت غنوشی متأثر از دو گرایش سنتی و واپس‌گرایانه «شیخ ناصرالدین آلبانی» در سوریه و «مالک بن نبی» در دهه ۶۰ سوریه و نیز گرایش نوین و مدرن اخوان المسلمین و به‌ویژه افکار سید قطب، ابوالعلاء المودودی و حسن البنا بود.

تأثیر انقلاب اسلامی بر رهبر حزب اتجاه الاسلامی و پخش سرایتی انقلاب اسلامی

مشکل اساسی راشد الغنوشی در جنبش اسلامی و نکته مهم و مورد اختلاف نظر آنان، مضمون و محتوای جامعه جدید اسلامی و ساختار حکومت دینی بود. در مقابل این ابهام، جریان سکولار و لائیک با تشکیل حکومت به مقابله با شریعت اسلام پرداخته بودند و تدین سنتی تونس که تربیت صوفیانه مذهب مالکی و عقاید اشعری بر آن غالب بود و نیز گفتمان سلفی اخوان المسلمین، برخلاف فعالیت مؤثر و چشمگیر در مرحله پیدایش جنبش اسلامی تونس، قادر به گره‌گشایی از مشکلات مردم و مسلمانان در برابر حاکمان ظلم و جور نبود. بنابراین، دو ضعف عمده در جهان اسلام در دهه هفتاد کاملاً مبرز و آشکار بود: یکی در محتوا و ایدئولوژی و دیگری در ساختار بیرونی جنبش اسلامی.

پیروزی انقلاب اسلامی با ایدئولوژی اسلامی شیعی و ساختار جمهوری با محوریت و مرکزیت ولایت فقیه در اندیشه سیاسی غنوشی سرایت و عمده ضعف‌های موجود را برطرف می‌سازد، به‌گونه‌ای که وی خود را به‌عنوان یکی از شاگردان کوچک علما و مجاهدین برجسته حرکت تجدد اسلامی معرفی کرده و از رهبری خود بر حرکت اسلامی بعد از انقلاب ایران احساس ناتوانی می‌کند و نظریه پیوستگی تمام حرکت‌های اسلامی معاصر را در روش‌ها و برنامه‌ها، برخلاف برخی از گرایش‌ها مطرح می‌کند. (غنوشی، ۱۳۷۰: ۲۶ - ۲۴)

طرح اندیشه ولایت فقیه و پیاده شدن الگوی عملی حکومت اسلامی در ایران، غنوشی را به تحسین از امام علیه السلام و مردم ایران وا داشته و می‌گوید:

نقش امام خمینی در ایجاد حکومت اسلامی ایران به‌راستی فوق‌العاده عظیم بود... خطمشی او توانسته است پس از قرن‌ها شیعه را به جایگاه خود در تاریخ اسلام بازگرداند. او توانست این کار را با زنده کردن فلسفه غیبت امام در قالب

ولایت فقیه به انجام برساند. (مرتضایی، بی تا: ۷۶)
در تاریخ معاصر اسلام، این نخستین بار است که ... اسلام توانسته است هم از جنبه تئوریک و هم از بُعد عملی مصداق پیدا کند. (غنوشی، ۱۳۶۹: ۴۷)

موقعیت زمانی انقلاب اسلامی در تأثیربخشی بر حرکت اسلامی تونس

یکی از عوامل مهم سرایت ایده‌های انقلاب اسلامی ایران در حرکت اسلامی مردم تونس و شخصیت غنوشی، موقعیت زمانی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹م است. در آغاز دهه هفتاد با رشد اسلام‌گرایی در مردم تونس، قدرت حاکم تمام سمبل‌های سکولار را بر جامعه و فرهنگ دینی حاکم ساخته و فرهنگ اسلامی مردم را به غارت و ساختارهای تربیتی و فرهنگی را براساس بی‌هویتی در مورد مسلمانان، زنان و جوانان اجرا کرد و توانست آسیب‌های زیادی از سکولاریزاسیون در تونس ایجاد کند. این اقدام دولت تونس و حرکت مردم علیه آن، همزمان با انفجار عظیم نور در ایران همراه شد، به گونه‌ای که گفتمان ایران پس از انقلاب اسلامی مورد تقدیس غنوشی و دیگران قرار گرفت؛ زیرا این گفتمان، اسلامی بوده و براساس این اصل ساده بود که «اگر اسلام اجرا نشود، شکست حتمی و فساد همه‌جا را خواهد گرفت». (غنوشی، ۱۳۷۰: ۳۵؛ محمدی، ۱۳۸۶: ۲۹۰)

ناکارآمدی اندیشه جنبش سیاسی مصلحان و کارآمدی اندیشه انقلاب اسلامی

از نکات مهم الهام‌گیری غنوشی از انقلاب اسلامی، ناکارآمدی رایج بودن تفکر جنبش اسلامی بدون چارچوب سازمانی در میان اکثر مردم بود؛ زیرا اندیشه اخوان المسلمین، مدخلی اساسی برای دگرگونی نوع نگرش فرد و گروه به مسائل اسلامی ایجاد می‌کرد. غنوشی در این رابطه می‌نویسد:

با وقوع حوادث ۲۶ ژانویه ۱۹۷۸ و آشکار شدن اولین نشانه‌های انقلاب [اسلامی] ایران و انتشار اولین شماره‌های مجله «المسلم المعاصر» پرسش‌های تازه‌ای به وجود آمد و اختلافات میان جنبش‌های اسلامی و مکتب اخوان به‌طور نسبی افزایش یافت. چارچوب‌هایی که در سیستم سازمانی اخوان کاملاً تثبیت شده بود، از درک این تحولات ناتوان بود و همین ناتوانی موجب شد جنبش

اسلامی فعالیت‌های خود را به‌طور کامل از اخوان‌المسلمین جدا کند و فعالیت‌های مستقلی را بنیان نهد که بعدها به فعالیت‌های اسلام‌گرایانه ترقی‌خواه معروف شد. با این حال، بدنه اصلی این جنبش نتوانست استقلال فکری و سازمانی خود را بازابد، هرچند نهادهای وابسته به این جنبش، پس از عملیات جدایی از اخوان می‌کوشیدند این مهم را محقق سازند. عوامل بیرونی که به تدریج خود را بر جنبش اسلامی تحمیل می‌کردند، در این عدم دستیابی به استقلال نظری و سازمانی تأثیر داشتند و از سوی دیگر، پرسش‌های عناصر درونی این جنبش نیز روزبه‌روز افزایش می‌یافت، اما با شتاب گرفتن تحولات سیاسی و اجتماعی در پایان دهه ۷۰ رهبران جنبش اسلامی نیز به فعالیت‌های سیاسی علنی روی آوردند... و خواستار برپایی دولت اسلامی شدند. (غنوشی، ۱۳۷۰: ۴۷)

تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی بر غنوشی و حزب اتجاه اسلامی

انقلاب اسلامی مردم ایران، معادله مبارزاتی جنبش اسلامی تونس را از حالت حداقلی جنبش سیاسی به حالت حداکثری تأسیس نظام اسلامی درآورد و بدنه کلی جریان اسلام‌گرا را به غنوشی به‌عنوان یک رهبر، متمایل ساخت. غنوشی در سال ۱۹۷۸ از این جریان، یک سازمان سیاسی جدید به نام النهضة (اتجاه الاسلامی) به‌وجود آورد که برخلاف گروه «اسلام‌گرایان ترقی‌خواه» به رهبری «حمیده النیفر» و «صلاح الجورشی» مفهومی مترقی از اسلام و دین‌داری توده مردم را ارائه می‌داد (همان: ۴۸ - ۴۶) و جامعه اسلامی را دارای الگوی ساختاری ایدئال برگرفته از دین الهی و بی‌نیاز از نظریه‌های ایدئولوژی مارکسیستی و کمونیستی می‌دانست.

حزب اتجاه الاسلامی سه سال پس از انقلاب اسلامی ایران در ۶ ژوئن ۱۹۸۱ مهم‌ترین مبانی خود را این‌گونه بیان می‌دارد:

۱. رد اصول سکولاریسم؛
۲. ارتباط و پیوند با تمام مسلمانان جهان؛
۳. به رسمیت نشناختن قومیت عربی و تحکیم روابط با تمام مسلمانان جهان؛
۴. نگرش به مسئله فلسطین به‌عنوان ثمره انحراف تمدنی و فرهنگی و آزادی فلسطین از

طریق آزادی اعراب از بند استعمار؛

۵. تعامل سازنده با تمام تونس‌ها و عدم طمع‌ورزی؛

۶. احیای هویت و تمدن اسلامی در پرتو اصول ثابت و متقاضیان حیات نوین؛

۷. بازستاندن حقوق مشروع مردم در تعیین سرنوشت بدون هیچ‌گونه تأثیرپذیری از شرایط

و فضای داخل یا نفوذ بیگانه؛

۸. رد خشونت؛

۹. حمایت و مساعدت جنبش‌های آزادی‌خواه جهان. (همان: ۵۹ - ۵۳)

حرکت حزب اتجاه اسلامی به رهبری غنوشی براساس اصول دینی و ساختار منسجم

درون‌حزبی و اجرای روش سیاسی در صحنه واقعیت جامعه، از جمله درخواست همه‌پرسی در

مورد مجله «الاحوال الشیخة للمرأة» باعث واکنش مقامات تونس و دستگیری رهبران آن شد

و آنان متهم به برپایی یک نظام اسلامی به تاسی از ایران شدند. (همان: ۶۲ - ۵۹)

بنابراین، موضوع و ایده تشکیل نظام اسلامی در اندیشه سیاسی غنوشی و حزب وی

باعث تأثیر انقلاب ایران بر آنان شد و این امر باعث بحران میان دولت و جنبش اتجاه

اسلامی و متهم کردن آنان به توطئه‌چینی برای صدور انقلاب اسلامی ایران به تونس و

سرنوشتی نظام حاکم در این کشور آفریقایی گردید.

موانع تأثیر انقلاب بر حرکت اتجاه اسلامی تونس

محکوم شدن جنبش اسلامی، زندانی و محکومیت ابد غنوشی، قطع روابط تونس با ایران

(۱۹۸۷م) و تثبیت حکومت سکولارها مخصوصاً در دولت بن‌علی، از جمله موانع دولتی

حکومت سکولار تونس بر حرکت اسلامی تونس می‌باشد. دولت با متهم کردن این جنبش و

رهبران آن به اعمال خشونت، ارتباط با ایران، ارتجاع، تعصب و عقب‌ماندگی سنتی و

فریبکارانه بودن شعارهای آن، موانع زیاد دیگری را در جنبه‌های قانونی و حقوقی بر آنان

به‌وجود آورد. همچنین باعث شد تا این حرکت بیداری اسلامی تحت فشارها و بعضاً اقدامات

حقوق بشری از آرمان‌های عالی خود در دولت بورقیبه فاصله بگیرد. این جنبش با آزادی

غنوشی در سال ۱۹۸۴م به مناسبت هشتادویکمین سال‌روز تولد بورقیبه و با تغییر تاکتیک از

مرگ سیاسی خود نجات پیدا کرد تا در فرصت مناسب ایدئولوژی خود را دوباره با اتخاذ روش سیاسی منتقدانه ادامه دهد.

این تغییر تاکتیک در جنبش اتجاء اسلامی در سال ۱۹۸۴م آنان را به یک جنبش سیاسی رادیکال انقلابی علیه نظام حاکم تبدیل کرد و خود یک مانع قوی درونی برای تأثیرپذیرفتن از انقلاب اسلامی ایران شدند، به گونه‌ای که در میان آنان در سه مسئله اساسی نوع فعالیت‌های سیاسی، اختلافات نظری فقهی و اختلاف در موضوع رهبری جنبش بحث‌هایی ایجاد شد.

اما آنچه که مانع اصلی در راه گفتمان حرکت اتجاء اسلامی تونس در سه دهه قبل قرار گرفت و هدفش خشکاندن سرچشمه این حرکت و تفوق و برتری بر آن بود، دولت کودتایی بن‌علی (۱۹۸۷م) است. این دولت با اعمال فشارها و خشونت‌های بسیار زیاد باعث افول قدرت غنوشی و در موضع ضعف قرار گرفتن وی شد، به گونه‌ای که مجبور به اتخاذ برخی تصمیمات از سر ضعف و ناچاری گردید. از جمله، شرط تغییر نام از اتجاء اسلامی به جنبش بیداری را پذیرفت و در نتیجه پس از گذشت سه سال از حکومت بن‌علی، حاکمیت از جنبش اسلامی به کمونیست‌های افراطی منتقل شد. (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳: ۸۷ - ۶۸)

علت این اقدامات را می‌باید در اندیشه سیاسی غنوشی جستجو کرد که بین دو مقوله «حرکت اسلامی» و «ملت اسلامی» تفکیک قائل می‌شود. به نظر او، ضمن تأکید بر صیانت از حرکت اسلامی به‌مثابه یک جنبش اسلامی، باید به سمت و سویی رفت که شاهد حاکمیت اصول و ارزش‌های فراگیر اسلام در جهان باشیم؛ تصویری مشابه با وضعیت لیبرال - دموکراسی در عصر حاضر اما با محتوا و جوهره اسلامی که علی‌رغم وجود کشورهای ملی مختلف، حکایت از وجود نوعی تمایل و گرایش به سمت آموزه‌های غربی دارد. اگر چنین حالتی بدون تمسک به عنصر اجبار که لیبرال - دموکراسی به‌کار گرفته محقق شود، در آن صورت، «حکومت اسلامی» که بیشترین معنای «حاکمیت آموزه‌های اسلامی را می‌رساند، محقق می‌شود. (غنوشی، ۱۳۷۰: ۱۱۰ - ۵۰)

تفسیر غنوشی از حکومت اسلامی بیشتر ناظر بر «یک وضعیت» تا یک «نهاد و سازمان» است. اما در جنبه نهادی، وی شکل‌گیری نظام‌های ملی با رعایت حقوق اولیه اسلامی

شهروندان و ایجاد رابطه متقابل مناسب را امری مشروع قلمداد می‌کند. غنوشی با این استراتژی از هم‌تایان پاکستانی و مصری خود (جماعت اسلامی و اخوان المسلمین) فاصله می‌گیرد و به تأیید الگوی ملی از حکومت با رعایت اصول کلان اسلامی که در راستای نیل به برتری اسلام در گستره جهانی است، رضایت می‌دهد. حمایت و تجلیل او از انقلاب اسلامی ایران و رهبری آن نیز در واقع ریشه در این بینش غنوشی دارد و باعث می‌شود با وجود اختلافات مذهبی، بر آن تأکید و تصریح کند. (افتخاری، ۱۳۸۴: ۱۹۰) در اندیشه سیاسی غنوشی به‌عنوان یک مصلح اسلامی، پدیده امام خمینی ره نمایانگر تحولی مهم در سطح بین‌الملل و منطقه به‌طور گسترده است. (مرتضایی، بی‌تا: ۷۶)

تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر نگرش سیاسی اتجاه اسلامی

با توجه به بازتاب و تأثیر انقلاب بر جنبش اتجاه اسلامی تونس و الگوگیری آنان، گرایش این حزب مخصوصاً رهبر آن، هم در حوزه کلامی و هم در زمره رفتاری و نیز در حوزه عاطفی، تأثیرات روانی مثبتی برجای گذاشته است؛ به‌گونه‌ای که این جنبش با تأسی از انقلاب اسلامی در کارآمدی و توانمندی عملی اسلام برای تشکیل حکومت، میل به تغییر حکومت دیکتاتوری بن‌علی و تضعیف تأثیر ابرقدرت‌های جهانی در چند ماهه اخیر در خیزش سراسری تونس پیشقدم بوده و خواهان تشکیل کشور اسلامی و مستقل می‌باشند. چارچوب تأثیرات روانی انقلاب اسلامی در حوزه‌های سه‌گانه مذکور را براساس اندیشه سیاسی غنوشی نسبت به انقلاب بدین شرح دنبال می‌کنیم:

۱. نگرش کلامی

در حوزه تأثیر کلامی و شناختی اندیشه‌های امام خمینی ره بر رهبری حزب اتجاه اسلامی تونس، آن‌گونه که گذشت، غنوشی معتقد به ضرورت تجدید حیات امت اسلامی در دوران معاصر است؛ زیرا با وجود قانون جامع الهی و وجود شخصیت‌های برجسته اسلامی برای تبیین قانون الهی و پیوند میان امور متحول زمان با احکام ثابت دینی، جایی برای ایستایی و عقب‌ماندگی مسلمانان وجود ندارد. (غنوشی، ۱۳۷۰: ۲۵ - ۱۸) غنوشی با تبیین اصل سیاسی

بودن اسلام و زنده کردن فلسفه غیبت امام در قالب ولایت فقیه توسط امام خمینی، سعی زیادی برای نفی دیدگاه سکولار در حوزه اندیشه سیاسی رایج اهل سنت داشته و با غیرممکن بودن نظام خلافت در عصر حاضر (علیخانی و صدیقی، ۱۳۸۱: ۲۹) از حکومت اسلامی به‌عنوان حکومتی مبتنی بر مشروعیت دوگانه به احکام الهی و انتخاب مردمی یاد می‌کند که براساس آیات و روایات مربوط به شورا و مشورت و نیز حجیت شورا و رأی مردم، تأسیس می‌گردد (غنوشی، ۱۳۸۱: ۲۳ - ۱۱)

تأثیر عمیق انقلاب اسلامی در حوزه کلامی بر غنوشی تا آنجاست که وی به تجدید حیات امت اسلامی به شکل احیا و آغاز تمدن جدید اسلامی می‌اندیشد. او نماینده این تجدید شکل امت اسلامی را تشکل مهم اخوان المسلمین، جماعت اسلامی پاکستان و حرکت اسلامی ایران می‌داند که با اهداف و برنامه‌های مشترک برای برپایی جامعه اسلامی و داشتن مواضع انقلابی در صدر ایجاد دولت اسلامی می‌باشند.

تشکلی که در مقام عمل، موفق به ایجاد حکومت اسلامی می‌شود، حرکت اسلامی ایران است که برای اولین بار تجربه حکومت اسلامی را به تجارب حرکت اسلامی تونس و سایر کشورها افزوده است. غنوشی در این باره می‌گوید:

در تاریخ معاصر اسلام این نخستین بار است که جنبش اسلامی قدرت آن را پیدا کرده است که انقلابی را شکل داده و توسط شیوه‌های مردمی پیاده کند؛ در نتیجه می‌توان گفت که با حرکت اسلامی مردم ایران، اسلام توانسته است هم از جنبه تئوریک (نظری) و هم از بُعد عملی مصداق پیدا کند. (مرتضایی، بی‌تا: ۷۶)

غنوشی با درک صحیح از حرکت امام خمینی، جوهره کلامی و اعتقادی عمیقی از انقلاب اسلامی را برداشت کرده است. وی ویژگی‌های انقلاب اسلامی ایران را درک فراگیر از اسلام، قیام برای اعتلای کلمه الله، مخالفت با اندیشه سکولاریسم، برپایی دولت جهانی اسلامی، توجه به مسئله فلسطین، مبارزه بی‌امان با فقر و اسراف و تبذیر، مردمی‌بودن قیام و رهایی مسلمانان از وابستگی سیاسی و اقتصادی به شرق و غرب می‌داند. (غنوشی، ۱۳۷۰: ۲۵ - ۱۸)

غنوشی معتقد است که انقلاب اسلامی ایران توانست اسلام را که ابزاری برای شکستن وحدت ملت اسلام در دست ارتجاع غرب بود، آزاد سازد. به عقیده وی، انقلاب اسلامی چنان از میراث فرهنگی و سیاسی اسلام بهره برده که توانسته نهادهای سیاسی نیرومندی چون بسیج جوانان انقلابی، کمیته‌های انقلاب، تشکیلات مخفی و نهانی، حسینه‌ها، مساجد و نویسندگان انقلابی را به وجود آورد. همچنین مردم را در یک مجموعه سیاسی، اقتصادی و تربیتی جای داد و همگان برتری و رهبری امام را پذیرفته و پیوند ناگسستنی بین رهبر و مردم ایجاد کرد. (غنوشی، ۱۳۸۱: ۳۵ - ۲۵)

۲. نگرش عاطفی

تأثیر شناختی و کلامی شخصیت امام ع و انقلاب باعث احساسات خوشایند و محبت‌انگیزی در شخصیت راشد الغنوشی شده، به گونه‌ای که در ملاقات با بنیانگذار انقلاب، احساس و شور خاصی در او برانگیخته می‌شود و با شیفتگی هر چه تمام به تحسین و تکریم امام، انقلاب و مردم ایران می‌پردازد. او شخصیت امام را تحقق بشارت پیامبر اعظم ص می‌داند که فرمودند:

«ان الله يبعث لهذه الامه علي رأس كل مئه سنه من يجدد لها دينها». (ابی‌داود،

۱۴۱۶: روایت ۴۲۹۱)

در هر یک صد سال خداوند کسی را می‌فرستد که دین وی را احیا کند.

از این رو، شخصیت امام را منظره زیبایی از شکوه و عظمت قدرت اسلام با از بین رفتن هرگونه برتری‌جویی و فرقه‌گرایی و مذهب‌پرستی ترسیم می‌کند.

تأثیر عاطفی امام بر غنوشی باعث می‌شود که او هر مصلح اسلامی در کشورهای اسلامی را خمینی بداند و از مسلمانان می‌خواهد ضمن وفاداری به انقلاب اسلامی ایران آن را به‌عنوان هدیه الهی پاس داشته و در حرکت‌های اسلامی خود به مرحله تهاجمی گام گذارند. (غنوشی، ۱۳۷۰: ۵۰ - ۴۵)

در همین راستا غنوشی ملت ایران را دارای اصالت اسلامی و پیرو مذهب تشیع جعفری می‌داند که از تأثیرات معنوی شگفت‌آور مکتبی برخوردار است. این ملت با پیروی از رهبری

بی‌نظیر و فوق‌العاده معنوی امام و اخلاص در دفاع از آرمان‌های آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی، مبارزه الهی را علیه بردگی برای امپریالیسم جهانی آغاز کرده‌اند؛ انقلاب آنان انقلابی پیش‌تاز در حرکت جهان اسلام مبتنی بر تشیع با هدف برانگیختن روح اسلامی و بیداری امت اسلامی و هدایت آنان تا رسیدن به تمدن جهانی است. (همان: ۶۸ - ۵۷)

۳. نگرش رفتاری

نگرش کلامی و عاطفی برخاسته از انقلاب در شخصیت غنوشی باعث رفتارهای خاصی از سوی این شخصیت از ابتدای انقلاب تاکنون شده است. در اوایل انقلاب و اوج مبارزات مردمی علیه نظام استبدادی شاه، وی وظیفه کشورهای عربی در جنگ رمضان علیه اسرائیل را به تاسی از امام علیه السلام، توکل بر خداوند در عین بسیج تمام نیروهای مردمی و وسایل لازم می‌داند. (مجله الاخبار، سال سوم، شماره ۲)

عمل‌گرایی براساس قرآن و سنت از دیگر شاخصه‌های نگرش رفتاری غنوشی است. او با تأثیرپذیری از انقلاب اسلامی تلاش فراوانی برای وحدت اسلامی و زدودن مسائل فرقه‌ای و تعصبات مذهبی انجام داد. وی در این باره می‌گوید:

ما می‌خواهیم که حکومت اسلامی مطابق اصول اسلامی، آن‌طور که بر پیامبر نازل شده است برقرار سازیم و در نزد ما شیعه و سنی فرقی ندارد؛ چراکه این مذاهب در زمان پیامبر وجود نداشته است (مجله الامان، شماره ۵) و اصل اساسی برای عملکرد، دوران پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام است. (روزنامه لوموند، شماره ۱۰۳۴۳)

موضع غنوشی و حزب وی در حمایت از ایران مخصوصاً در جنگ تحمیلی از دیگر شاخص‌های رفتاری مثبت وی می‌باشد. ایشان با تقبیح عمل خصمانه کشورهای عربی و اروپایی علیه انقلاب اسلامی، حمایت از ایران را بدون کم‌ترین تردید خواستار می‌شود؛ زیرا محرک اصلی آن، اسلام بوده و چشم امید مستضعفان عالم به آن دوخته شده است و هرگونه موضع‌گیری دوپهلوی و متعصبانه، مردود می‌باشد. (غنوشی، ۱۳۷۰: ۱۶۸ - ۱۶۵)

تأثیر ژرف رفتاری انقلاب بر اتجاه اسلامی تونس و رهبری آن را می‌توان در تغییر نام

این جنبش به «النهضة» و سازماندهی جوانان انقلابی برخلاف عدم اهمیت مصلحان سنی مذهب برای سازماندهی و تشکیلات (همان: ۳۵) دانست؛ به گونه‌ای که غنوشی خواستار اقدامات تهاجمی حرکت‌های اسلامی در شرایط کنونی بیداری اسلامی در خاورمیانه می‌باشد که طبق تفسیر جدید از شریعت اسلام و براساس شرایط واقعی زمان و مکان و پرهیز کردن متفکران تونس و اسلام از محدود کردن اندیشه اسلامی خود صورت خواهد پذیرفت.

نتیجه

پیروزی انقلاب اسلامی، روح تجدید حیات امت اسلامی را در زمان غیبت در سایه رهبری دینی به اثبات رسانید و چشم تمام مسلمانان به آن دوخته شد. مصلحان مسلمان نیز که در هدف و مقصد خود دارای برنامه‌های مشترک بودند، با تأثیر از انقلاب و مواضع انقلابی و تشکیلات جدید به تجدید حیات اسلام بعد از فروپاشی حکومت عثمانی پرداختند. هدف، مقصد، موضع انقلابی و تشکیل حکومت اسلامی از عوامل بسیار مهم سرایت و پخش انقلاب اسلامی ایران در جنبش‌های مردمی و رهبران آنان شد.

وضعیت اسفبار فرهنگی جامعه سکولار ایجادشده در تونس و همزمانی این اتفاقات با اوج مبارزات انقلاب اسلامی، سرعت پخش و سرایت انقلاب را در مردم مسلمان تونس زیاد کرد و حرکت اتحاده اسلامی و «النهضة» به رهبری راشد الغنوشی شکل تهاجمی به خود گرفت. تأثیر بسیار زیاد غنوشی از امام علیه السلام و انقلاب اسلامی و ملاقات وی با حضرت امام علیه السلام پخش سلسله‌مراتبی را در این جنبش سرعت بخشید و در حوزه نگرش‌های کلامی، عاطفی و رفتاری آنان به‌طور کاملاً مشهودی تغییرات اساسی ایجاد کرد. این تغییرات با بیداری اسلامی مردم تونس در چندماهه اخیر و بازگشت غنوشی به این کشور و دیدگاه و نحوه عملکرد و اتخاذ تصمیمات سیاسی آن در انقلاب مردم، بیانگر عمق تأثیر شخصیت امام علیه السلام بر وی و پخش ایده‌های انقلاب اسلامی در میان حزب النهضة و مردم تونس است.

منابع و مأخذ

۱. ابی داود، ۱۴۱۶ ه. ق، سنن، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۴، *مصلحت و سیاست، رویکردی اسلامی*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۳. برزگر، ابراهیم، ۱۳۸۹، *روانشناسی سیاسی*، تهران، سمت، چ دوم.
۴. پانوف، میشل و میشل پرون، ۱۳۶۸، *فرهنگ مردم‌شناسی*، ترجمه اصغر عسکری خانقاه، تهران، نشر ویس.
۵. پی فرارو، گری، ۱۳۷۹، *انسان‌شناسی فرهنگی: بعد فرهنگی تجارت جهانی*، ترجمه غلامعلی شاملو، تهران، سمت.
۶. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳، *تونس*، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۷. *روزنامه لوموند*، پاریس، شماره ۱۰۳۴۳ <http://www.lemonde.fr>
۸. شکویی، حسین، ۱۳۶۴، *جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی*، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۹. علیخانی، علی اکبر و صابر صدیقی، ۱۳۸۱، *راشد الغنوشی در اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی*، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۱۰. غنوشی، راشد، ۱۳۶۹، *حرکت اسلامی تونس*، تهران، بولتن سیاسی وزارت امور خارجه.
۱۱. _____، ۱۳۷۰، *حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلامی*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۲. _____، ۱۳۸۱، *آزادی‌های عمومی در حکومت اسلامی*، ترجمه حسین صابری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۳. *مجله الاخبار*، بیروت، سال سوم، شماره ۱۲ <http://www.al-akhbar.com>
۱۴. *مجله الامان (هفته‌نامه سیاسی)*، بیروت، شماره ۵ <http://www.al-aman.com>
۱۵. محمدی، منوچهر، ۱۳۸۶، *بازتاب جهانی انقلاب اسلامی تهران*، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم.
۱۶. مرتضایی، علی اکبر، بی تا، *امام خمینی علیه السلام در حریق دیگران*، بی جا.
۱۷. هرماسی، عبداللطیف، ۱۹۸۵، *الحركة الاسلامیة فی تونس*، بی جا.